



اصول حاکم بر مالیاتها در نظام اقتصادی اسلام  
مستفاد از مالیاتهای منصوص  
زکات و خمس

حجت الاسلام والمسلمین سیدضیاءالدین کیاءالحسینی\*

---

\* عضو هیأت علمی دانشگاه مفید.

## چکیده

بی تردید مالیات یکی از ملاک‌های سنجش کارآمدی یا ناکارآمدی نظام‌های اقتصادی است چرا که در صورت کارآمدی هم خزانه دولت برای انجام وظایف محوئه با مشکل مواجه نخواهد بود و هم مردم از خدمات و کالاهای عمومی بهره مند خواهند شد. از طرف دیگر دولت‌ها می‌توانند توسط آن هم بخش خصوصی اقتصاد را هدایت نمایند و هم از آن به عنوان یک ابزار توزیع مجدد درآمد برای تحقق عدالت استفاده نمایند.

نوشتار حاضر در صدد است تا با مراجعه به منابع اسلامی - قرآن، سنت و احکام - و بررسی دو منبع مالیاتی منصوص در فقه یعنی زکات و خمس اصول مالیاتی حاکم بر آنها را استخراج نماید تا از این طریق هم بتوان به طراحی نظام مالیاتی اسلام نایل شد و هم بتوان این اصول استخراج شده را دستور العملی برای نظام مالی دولت‌ها بالاخص دولت‌های اسلامی - قرار داد.

**کلید واژه:** زکات، خمس، نرخ مالیاتی، اصول مالیاتی.

## ۱. مقدمه

بررسی تاریخ بشر نشان می‌دهد که تشکیل دولتها با مالیات به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای کسب درآمد آنها همراه بوده است. کارآمدی نظام مالیاتی همیشه نشان دهنده ثبات حکومت‌ها و در نقطه مقابل یکی از مشخصه‌های نظامهای ظالم و غیر بشری، نظام مالیاتی ظالمانه بوده به نحوی که در پاره‌های از مقاطع سبب اضمحلال حکومتها گردیده است.

تاریخ اسلام نشان می‌دهد که از زمان پیامبر اکرم (ص) و حضرت امیر (ع) و دیگر خلفاء که بیت‌المال تأسیس شده عده‌های به عنوان دیوان مسئول ثبت و ضبط بیت‌المال بودند و عمدتاً یکی از منابع درآمدی دولتهای صدر اسلام مالیات بوده است. یکی از وظایف مالی که خداوند بر انسانها جعل کرده، زکات و خمس است که به نص قرآن کریم جزء واجبات می‌باشد و در آیات متعدد قرآن کریم زکات به همراه نماز مورد تأکید قرار گرفته است. از آنجا که این دو موضوع از واجبات اسلام و کلیه نحله‌های فقهی و فرق اسلامی است و در هر شرایطی کاربرد دارد میتواند حاوی پیامهای مناسبی برای نظامهای مالی، بالاخص نظامات مالی در کشورهای اسلامی باشد. لذا مقاله حاضر در صدد است تا با بهره‌گیری از منابع اسلامی و طرح فشردهای از احکام فقهی مربوطه، اصولی که بر مالیاتهای منصوص حاکم است را استخراج نماید. امید است با قدم‌های تکمیلی دیگر در این وادی، بتوان نظام کامل مالیاتی که مبتنی بر آموزه‌های دینی است برای جوامع اسلامی پیشنهاد و ارائه شود.

نوشتار حاضر متشکل از پنج بخش می‌باشد. بخش دوم به طور مختصر به معنای لغوی زکات پرداخته و مروری اجمالی به آیات قرآنی مشتمل بر آن دارد. در بخش سوم به شرایط وجوب خمس و زکات می‌پردازد و همچنین احکام مربوطه و اموال مورد تعلق آنها در مذاهب مختلف بیان می‌گردد. اموال مورد تعلق زکات به چهار بخش عمده، نقدین، محصولات زراعی، احشام و دیگر اموال تقسیم می‌گردد. بعد از طرح شرایط اختصاصی تعلق زکات بر هر یک از اقسام چهارگانه نتایج حاصل از آنها استخراج می‌گردد و بعضی نتایج در قالب مدل‌های ریاضی برای وصول به نرخ مالیاتی ارائه میشود. در ادامه این بخش احکام و موارد تعلق خمس مطرح میشود که به علت محدودیتهای طرح شده در مقاله تنها خمس ارباح مکاسب مفصلتر ارائه میگردد. از آنجا که خمس ارباح مکاسب شبیه به مالیات بر ارزش افزوده است می‌توان نتایج بیشتری را از آن استخراج کرد.

بخش چهارم مقاله به مصارف این دو واجب مالی اختصاص دارد و می‌توان در مصرف مالیات‌ها و هدایت آن مورد نظر باشد. به نحوی که می‌توان گفت اسلام با این دو واجب نظام تأمین اجتماعی خودکاری را تأسیس کرده که حتی اگر دولتی مرکزی مبتنی بر احکام اسلام وجود نداشته باشد، برای تمامی زمانها از کارائی بالا برخوردار است. و در نهایت بخش پنجم به نتیجه‌گیری و استخراج اصول حاکم بر مالیاتهای نصوص و همچنین ارائه پیشنهادات می‌پردازد.

## ۲. زکات در لغت و قرآن

لفظ زکات یا مصدر فعل ( زکی - یزکی) به معنی رشد و نمو در مال و ایجاد کرامت و بزرگی برای نفس آدمی و یا مصدر فعل (زکا-یزکو) به معنی پاکی است زیرا شخص با پرداخت زکات، هم مالش را پاک نموده و هم نفس خود را از ناپاکی و بخل تطهیر می‌کند. در هر دو حالت به صورت اسم مصدر به معنی پاکی و افزایش و به صورت اسم یعنی مالی که سبب طهارت و نمو روح و مال می‌گردد نیز وارد شده است<sup>(۱)</sup> (الجوهری، ۱۴۰۷ق، ص ۲۳۶۸ و الطریحی، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۲۰۵)

مشتقات ماده (ز ک و) و (ز ک ی) ۵۹ بار در قرآن استعمال شده است. از این تعداد ۲۸ مورد آن کلمه (الزکاة) می‌باشد که در ۲۶ مورد، با کلمه (الصلوة) همراه است. ۲۰ مورد این آیات مدنی بوده [بقره آیات ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷ و ۲۷۷. نساء آیات ۷۷ و ۱۶۲. مائده آیات ۱۲ و ۵۵. توبه آیات ۵، ۱۱، ۱۸ و ۷۱. حج آیات ۴۱ و ۷۸. نور آیات ۳۷ و ۵۶. احزاب آیه ۳۳. مؤمنون آیه ۴ و بینه آیه ۵] و ۶ آیه باقی مانده مکی می‌باشند. [مریم آیات ۳۱ و ۵۵. انبیاء آیه ۷۳. نمل آیه ۳. لقمان آیه ۴ و مزمل آیه ۲۰] و تنها در دو مورد کلمه (الزکاة) بدون (الصلوة) ذکر شده است که عبارتند از: [اعراف آیه ۱۵۶ و فصلت آیه ۷] که هر دو آیه مکی می‌باشند یعنی آیه مدنی که در آن کلمه (الزکاة) بدون (الصلوة) استعمال شده باشد، وجود ندارد. البته در قرآن کلمات دیگری نیز به معنی زکات مورد استعمال قرار گرفته است. کلماتی مثل صدقه، انفاق و قرض الحسنه از این قبیل می‌باشند به نحوی که آیه ۱۰۳ سوره توبه که آیه وجوب زکات و آیه ۶۰ این سوره که اقسام مصارف زکات را بر می‌شمارد از زکات مصطلح فقهی با لفظ (صدقه) نام می‌برد.

تنها آیه ۴۱ سوره انفال در قرآن به احکام خمس پرداخته است.

بررسی تفسیری آیات مربوطه نشان می‌دهد که زکات در قرآن، هر گونه پرداخت تقریبی است که بندگان برای تقرب به خدا و تطهیر جان و مال خود می‌پردازند. از آنجا که هدف این نوشتار استخراج اصول حاکم بر مالیاتهای منصوص می‌باشد لذا در ادامه، بحث را به زکات و خمس اختصاص می‌دهیم.

### ۲-۱. شرایط وجوب زکات اموال

شرایط آن به نظر فقها شیعه (الطباطبائی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۸۶ و الخمینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳-۳۱۲) به

شرح زیر است:

- |                  |           |
|------------------|-----------|
| (الف) بلوغ       | (ب) عقل   |
| (ج) حریت         | (د) ملکیت |
| (ه) تمکن از تصرف | (و) نصاب  |

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به المنجد فی اللغة و الاعلام، چاپ بیستم، ص ۳۰۳، و کیاء الحسینی، سید ضیاء الدین، زکات در قرآن و برآورد تابع آن در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۷، ص ۲۰-۵.

## ۲-۲. اموالی که بر آنها زکات مال تعلق می‌گیرد

یکی از غوامض فقه اموال مورد تعلق زکات است که از دیر زمان محل بحث و نظر بین فقها شیعه و سنی بوده است. آیات قرآن عمدتاً بر ضرورت پرداخت آن تأکید دارد و آیاتی مثل آیه ۱۰۳ سوره توبه متعلق زکات را «اموال» قرار داده است.

روایات در این باب متفاوت بوده به نحوی که تصریح بر همه موارد ندارد و اگر تصریحی در بعضی روایات وجود داشته باشد در مقابل آن روایت متضاد نیز وجود دارد. از آنجا که فقها برای جمع بین روایات مبانی متفاوتی دارند، این امر سبب تشتت آراء آنها در این مسأله گردیده است.

محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام (۱۳۴۷ش، ص ۱۴۲) می‌فرماید:

تجب الزکاة فی الانعام: الابل و البقر و الغنم و فی الذهب و الفضة و الغلات الاربعة الحنطة و الشعیر و التمر و الزبيب و لا تجب فی ما عدا ذلك.

صاحب جواهر (۱۳۶۵ش، ج ۱۵، ص ۶۹-۶۵) در توضیح کلام ایشان می‌فرماید:

این موارد نه گانه چیزی است که هیچ یک از فرق اسلامی در آن اختلاف ندارند بلکه اختلاف در زائد بر این ۹ مورد است. نصوصی که برای تعلق زکات بر این ۹ مورد وارد شده متواتر می‌باشد.

ولی در نزد فقها اهل سنت زکات بر اموال دیگری نیز تعلق می‌گیرد. در کتاب الفقه علی المذاهب

الاربعة (الجزیری، ۱۴۰۶، ق، ج ۱، ص ۵۹۶) آمده است:

الانواع التي تجب فيها الزکاة خمسة اشياء. الاول: النعم وهي الابل والبقر والغنم... و لا زکاة فی غیر ما بیناه من الحيوان فلا زکوة فی الخيل و البغال و الحمير و الفهد و الكلب و نحوها الا اذا كانت للتجارة. الثاني: الذهب و الفضة و لو غیر مضروبين. الثالث: عروض التجارة. الرابع: المعدن و الرکاز. و الخامس: الزرع و الثمار. و لاکاة فیما عدا هذه الانواع الخمسة.

با ذکر این مقدار مختصر از فتاوی فقهاء، پی به اختلاف نظر آنها در اموال مورد تعلق زکات برده و در ضمن متوجه تعمیم حکم در نزد فقها اهل سنت نسبت به فقها شیعه می‌شویم. مثلاً آنها درباره نقدین (طلا و نقره) می‌گویند بر مطلق طلا و نقره زکات تعلق می‌گیرد. اوراق مالیه چه به صورت پول نقد رایج و یا هر عنوان دیگر را موضوع زکات واجب میدانند و در مال التجاره و معادن نیز قائل به وجوب زکات می‌باشند. هر چند فقها شیعه در مورد پول نقد و رایج - در قالب ارباح مکاسب - و معدن قائل به خمس بوده و با تفصیلی در مورد مالالتجاره آن را مشمول خمس می‌دانند. ما در بحث خمس به تفصیل به موارد بالا می‌پردازیم. در مورد غلات نیز بعضی از آنها قائل به وجوب زکات بر تمام غلات می‌باشند (القرضاوی ۱۹۹۱، ج ۱، ص ۵۱-۳۴۱). با ذکر این مطالب روشن می‌شود که اموال مورد تعلق زکات مورد اختلاف فقها مذاهب اسلامی است. ما آنها را به چهار دسته کلی تقسیم می‌کنیم و در هر یک از آنها شرایط اختصاصی مربوط به آن، میزان زکات و مختصری از اقوال فقها را ذکر نموده و سپس

نتایج به دست آمده از هر کدام را که عمدتاً همان اصول مالیاتی نظام اقتصادی اسلام است را ارائه می‌کنیم.

این موارد عبارتند از:

- |           |                   |
|-----------|-------------------|
| (۱) نقدین | (۲) محصولات زراعی |
| (۳) انعام | (۴) دیگر اموال    |

### ۱-۲-۲. نقدین

علاوه بر شرایط عمومی، شرایط اختصاصی وجوب زکات نقدین به شرح زیر می‌باشد:  
 الف) نصاب: که حداقل آن ۲۰ دینار<sup>(۱)</sup> یا ۲۰۰ درهم است. در این صورت یک چهارم ارزش آنها به عنوان زکات واجب می‌گردد. برای مقادیر بیشتر از آن به ازاء هر ۴ دینار یا ۴۰ درهم، یک چهارم مقدار مازاد به میزان زکات افزوده می‌شود. اگر از این مقدار - ۴ دینار یا ۴۰ درهم - کمتر باشد بر مقدار زائد زکاتی تعلق نمی‌گیرد.

ب) مسکوک بودن: که نظر فقها شیعه است ولی فقها اهل سنت قائل به تعمیم وجوب زکات بر انواع طلا و نقره و اوراق مالی می‌باشند. (الجزیری، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۶۰۵)  
 ج) گذشت سال

نتایجی که از زکات نقدین به دست می‌آید، به شرح زیر می‌باشد:

- (۱) با در نظر گرفتن تعلق زکات بر نقدین و قید گذشت سال، و تکرار تعلق زکات برای سالهای بعد<sup>(۲)</sup> می‌توان گفت زکات نقدین، زکات بر کنز و ثروتی است که در چرخه اقتصادی قرار نگیرد.  
 (۲) زکات بر نقدین را می‌توان با نماد ریاضی نشان داد (صدر، ۱۳۷۰، ص ۹۰):

$$Z_1 = \frac{1}{40} (20 + 4K) \quad \text{اگر} \quad 20 + 4K \leq y < 20 + 4(k+1) \quad \text{آنگاه}$$

$$K = 0, 1, 2, 3, \dots$$

#### رابطه ۱

در اینجا  $Z_1$  نشان دهنده میزان زکات دینار و  $y$  میزان دینار مورد تملک فرد می‌باشد.

$$Z_2 = \frac{1}{40} (20 + 4 \cdot K) \quad \text{اگر} \quad 20 + 4 \cdot K \leq x < 20 + 4 \cdot (k+1) \quad \text{آنگاه}$$

$$K = 0, 1, 2, 3, \dots$$

#### رابطه ۲

در اینجا  $Z_2$  نشان دهنده میزان زکات درهم و  $x$  میزان درهم مورد تملک فرد می‌باشد.

- (۳) تابع زکات نقدین تابع جزء صحیح است که می‌توان آن را به صورت زیر نوشت:

۱. یک دینار برابر یا یک مثقال شرعی بوده که آن برابر با سه چهارم مثقال صیرفی است.  
 ۲. یعنی اگر سال بر نقدین بگذرد، مجدداً زکات بر آن تعلق می‌گیرد. برخلاف خمس که فقط یک بار تعلق می‌گیرد.

$Z_1 = \frac{1}{10} \left[ \frac{Y}{4} \right]$	آنگاه	$Y \geq 20$	اگر	(۳)	رابطه
$Z_2 = \left[ \frac{X}{4} \right]$	آنگاه	$X \geq 200$	اگر		رابطه (۴)

### ۳-۲-۲. محصولات زراعی

یکی از موارد کلی تعلق زکات، محصولات زراعی است. عمده بحث در تعداد محصولاتی است که زکات بر آنها واجب می‌گردد. آراء فقها چه شیعه و چه سنی - در این باب متفاوت است. ولی عمده فقها شیعه قائل به حصر زکات در موارد چهار گانه - گندم، جو، خرما و کشمش - می‌باشد (مگر عده قلیلی مثل ابن جنید و یونس بن عبد الرحمن). (الطباطبائی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۹۷) ولی بعضی از محققین در این باب نظر دیگری دارند. (المنتظری، ۱۴۰۹ق، ص ۱۶۸-۱۴۷)

یوسف القرضاوی (۱۴۰۹ق، ص ۳۵۵ - ۳۴۹) مجموعه آراء فقها اهل سنت را نقل می‌کند. اما میزان زکات در محصولات زراعی مورد وفاق مذاهب مختلف فقهی است بدین شرح که در محصولات دیم ۱/۱ محصول خالص و در محصولات آبی ۰/۰۵ محصول خالص میبایست به عنوان زکات پرداخت شود.

شرایط اختصاص زکات محصولات زراعی به شرح زیر است:

الف) نصاب: که تقریباً برابر با ۸۵۰ کیلوگرم است.

ب) مالکیت: بر مال زراعی در هنگام وجوب زکات که این زمان بر حسب زراعت‌های مختلف متفاوت است.

ج) کسر کردن هزینه حسابداری تولید.

نتایجی که از زکات محصولات زراعی به دست می‌آید، به شرح زیر می‌باشد:

۱) در تولید غلات اگر، نسبت هزینه به تولید را ثابت فرض کنیم. و با توجه به اینکه در

محاسبه زکات، ملاک محاسبه هزینه، هزینه حسابداری تولید می‌باشد خواهیم داشت:

رابطه (۵)

$$C_1 = \alpha q_1$$

که  $q_1$  میزان تولید محصولات زراعی دیم و  $C_1$  میزان هزینه حسابداری محصولات زراعی دیم می‌باشد که به صورت خطی و نسبتی ثابت از تولید ارائه شده و میتواند به صورتهای دیگر نیز نشان داده شود.

$$\pi_1 = (1 - \alpha) q_1 \quad \text{رابطه (۶)}$$

$$\pi_1 = q_1 - C_1$$

در رابطه (۶)،  $\pi_1$  نشان دهنده میزان تولید خالص محصولات زراعی دیم می‌باشد.

رابطه (۷)

$$Z_1 = \frac{1}{10} (1 - \alpha) q_1$$

در رابطه (۷)،  $Z_1$  نشان دهنده میزان زکات محصولات زراعی دیم می‌باشد.

رابطه (۸)

$$C_2 = \beta Q_2$$

که  $C_2$  میزان هزینه حسابداری محصولات زراعی آبی و  $Q_2$  میزان تولید محصولات زراعی آبی می‌باشد که مثل حالت دیم به صورت خطی و نسبتی ثابت از تولید در نظر گرفته شده است.

$$\pi_2 = (1 - \beta) Q_2 \quad \text{رابطه (۹)}$$

$$\pi_2 = Q_2 - C_2$$

در رابطه (۹)،  $\pi_2$  نشان دهنده میزان تولید خالص محصولات زراعی آبی می‌باشد.

رابطه (۱۰)

$$Z_2 = \frac{1}{\beta} (1 - \beta) Q_2$$

در رابطه (۱۰)،  $Z_2$  نشان دهنده میزان زکات محصولات زراعی آبی است.

(۲) در مورد زکات محصولات زراعی اگر محصول زراعی به صورت دیم باشد  $\frac{1}{\beta}$  تولید خالص آن

و اگر به صورت آبی باشد  $\frac{1}{\beta}$  تولید خالص آن به عنوان زکات پرداخت می‌شود. یعنی میتوان گفت اگر

آب را خداوند به نحو طبیعی و با هزینه ثابت بسیار نازلی در اختیار زارع قرار دهد، سهم بیشتری از

محصول به دست آمده یعنی  $\frac{1}{\beta}$  را برای فقرا و دیگر مصارف واجب می‌کند. ولی اگر انسان با سرمایه

گذاری و پرداخت هزینه ثابت مثل حفر چاه و نصب پمپ یا استفاده از دلو، آب را استخراج نماید در

این صورت این سهم نصف حالت اول یعنی  $\frac{1}{\beta}$  خواهد بود. (الطباطبائی، ۱۳۹۷ق، ص ۷-۳۹۵ و

القرضاوی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۵۵-۳۴۹)

می‌توان نتیجه گرفت زکات محصولات زراعی برحسب استفاده تولید کننده از منابعی که خداوند به

نحو طبیعی در اختیار او قرار داده یا خود تولید کننده با تلاش و صرف هزینه آن منابع را فراهم کرده

تغییر میکند.

(۳) با گرفتن مشتق مرتبه اول از روابط (۷) و (۱۰) خواهیم داشت:

رابطه (۱۱)

$$\frac{\partial z_1}{\partial q_1} = \frac{1}{10} (1 - \alpha)$$

رابطه (۱۲)

$$\frac{\partial z_2}{\partial q_2} = \frac{1}{20} (1 - \beta)$$



روابط (۱۱) و (۱۲) نشان دهنده نرخ زکات محصولات زراعی دیم و آبی می‌باشد. این دو رابطه نشان می‌دهد که مقدار و نرخ زکات محصولات زراعی، بستگی به نرخ هزینه‌های حسابداری تولید دارد. در صورت فزاینده بودن نرخ هزینه‌های حسابداری تولید، نرخ زکات کاهش یافته و در صورت کاهش آن نرخ زکات افزایشی خواهد بود. ولی به هر حال مقدار آن  $\frac{1}{10}$  و  $\frac{1}{20}$  خالص تولید خواهد بود (صدر، ۱۳۷۰، ص ۱۰۱ و کیاء الحسینی، ۱۳۷۷، ص ۴۳-۴۱).

۴) نسبت زکات به مقدار سود  $\frac{1}{10}$  در محصولات دیم و  $\frac{1}{20}$  در محصولات آبی است و این نشان می‌دهد زکات محصولات زراعی نسبت ثابتی از سود است.

### ۳-۲-۳. انعام

مراد از انعام در اینجا حیوانات مورد تعلق زکات می‌باشند و از مواردی است که نظر فقهاء شیعه و سنی در احکام مربوط به آن بسیار به هم نزدیک است. (الجزیری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۹۶)

شرایط اختصاص زکات انعام به شرح زیر است:

الف) نصاب؛ ب) گذشت سال؛

ج) عامل نبودن؛ و) سائمه بودن که فقها شیعه بر خلاف اهل سنت قائل به این شرط می‌باشند.

از آنجا که نصاب هر یک از احشام سه گانه با هم متفاوت بوده و هر کدام نصاب‌های مختلف (گوسفند ۵ نصاب، گاو دو نصاب و شتر ۱۲ نصاب) و مفصلی - بالانحص شتر با ۱۲ نصاب - دارند لذا در این مقاله تنها به نتایج استخراج شده آنها بسنده می‌کنیم گرچه میتوان نصابهای مختلف احشام را در قالب جدولی ارائه کرد.

### جدول (۱) نصاب، تعداد و نرخ زکات احشام

ردیف	تعداد یا نصاب گوسفند	میزان زکات بر حسب گوسفند	متوسط نرخ زکات گوسفند	تعداد یا نصاب گاو	میزان زکات بر حسب گاو چهارساله	متوسط نرخ زکات گاو	تعداد یا نصاب شتر	میزان زکات بر حسب شتر چهارساله	متوسط نرخ زکات شتر
۱	۱-۳۹	۰	۰	۱-۲۹	۰	۱/۷۵	۱-۴	۰	۰
۲	۴۰-۱۲۰	۱	۱/۳۸	۳۰-۳۹	۰/۶	۱/۶۴	۵-۹	۰/۱	۱/۴۹
۳	۱۲۱-۲۰۰	۲	۱/۲۸	۴۰-۵۹	۰/۸	۱/۸۶	۱۰-۱۴	۰/۲	۱/۶۹
۴	۲۰۱-۳۰۰	۳	۱/۲۱	۶۰-۶۹	۱/۲	۱/۸۸	۱۵-۱۹	۰/۳	۱/۷۸
۵	۳۰۱-۳۹۹	۴	۱/۱۵	۷۰-۷۹	۱/۴	۱/۹۰	۲۰-۲۴	۰/۴	۱/۸۳
۶	۴۰۰-۴۹۹	۴	۰/۸۹	۸۰-۸۹	۱/۶	۱/۹۱	۲۵	۰/۵	۲
۷	۵۰۰-۵۹۹	۵	۰/۹۱	۹۰-۹۹	۱/۸	۱/۹۲	۲۶-۳۵	۰/۶	۱/۹۸
۸	۶۰۰-۶۹۹	۶	۰/۹۳	۱۰۰-۱۰۹	۲	۱/۹۲	۳۶-۴۵	۰/۸	۱/۹۹
۹	۷۰۰-۷۹۹	۷	۰/۹۴	۱۱۰-۱۱۹	۲/۲	۱/۹۳	۴۶-۶۰	۱	۱/۹۰
۱۰	۸۰۰-۸۹۹	۸	۰/۹۵	۱۲۰-۱۲۹	۲/۴	۱/۹۳	۶۱-۷۵	۱/۲	۱/۷۷
۱۱	۹۰۰-۹۹۹	۹	۰/۹۵	۱۳۰-۱۳۹	۲/۶	۱/۹۳	۷۶-۹۰	۱/۶	۱/۹۳
۱۲	۱۰۰۰-۱۰۹۹	۱۰	۰/۹۶	۱۴۰-۱۴۹	۲/۸	۱/۹۴	۹۱-۱۲۰	۲	۱/۹۰
۱۳	۱۱۰۰-۱۱۹۹	۱۱	۰/۹۶	۱۵۰-۱۵۹	۳	۱/۹۴	۱۲۱-۱۲۹	۲/۴	۱/۹۲
۱۴	۱۲۰۰-۱۲۹۹	۱۲	۰/۹۶	۱۶۰-۱۶۹	۳/۲	۱/۹۵	۱۳۰-۱۳۹	۲/۶	۱/۹۳
۱۵	۱۳۰۰-۱۳۹۹	۱۳	۰/۹۷	۱۷۰-۱۷۹	۳/۴	۱/۹۵	۱۴۰-۱۴۹	۲/۸	۱/۹۴
۱۶	۱۴۰۰-۱۴۹۹	۱۴	۰/۹۷	۱۸۰-۱۸۹	۳/۶	۱/۹۵	۱۵۰-۱۵۹	۳	۱/۹۴
۱۷	۱۵۰۰-۱۵۹۹	۱۵	۰/۹۷	۱۹۰-۱۹۹	۳/۸	۱/۹۵	۱۶۰-۱۶۹	۳/۲	۱/۹۵
۱۸	۱۶۰۰-۱۶۹۹	۱۶	۰/۹۷	۲۰۰-۲۰۹	۴	۱/۹۶	۱۷۰-۱۷۹	۳/۴	۱/۹۵
۱۹	۱۷۰۰-۱۷۹۹	۱۷	۰/۹۷	۲۱۰-۲۱۹	۴/۲	۱/۹۶	۱۸۰-۱۸۹	۳/۶	۱/۹۵
۲۰	۱۸۰۰-۱۸۹۹	۱۸	۰/۹۷	۲۲۰-۲۲۹	۴/۴	۱/۹۶	۱۹۰-۱۹۹	۳/۸	۱/۹۶
۲۱	۱۹۰۰-۱۹۹۹	۱۹	۰/۹۸	۲۳۰-۲۳۹	۴/۶	۱/۹۶	۲۰۰-۲۰۹	۴	۱/۹۶

منبع: صدر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸ - ۱۰۰ و کبایه الحسینی، ۱۳۷۷، ص ۵۷-۴۵.

نتایجی که از زکات احشام استخراج می شود به شرح زیر می باشد

(۱) زکات احشام نوعی مالیات بر ثروت ثابتی است که در چرخه مبادله قرار نگرفته باشد زیرا: اولاً: هزینه های آن استثناء نمی گردد؛ ثانیاً: اگر فرد احشام را خریداری کرده باشد نیز بعد از گذشت سال، باید زکات آن را پردازد.

(۲) جدول نشان می دهد که تابع زکات در احشام مثل تابع زکات نقدین، تابع جزء صحیح می باشد.

(۳) با مراجعه به جدول همچنین درمی یابیم که نرخ زکات در احشام بعد از مقداری نوسان به سمت یک نرخ ثابت گرایش پیدا می کند. این نرخ در مورد گوسفند ۱٪ و در مورد گاو و شتر ۲٪ می باشد گرچه صدر در مورد زکات گاو قایل به نرخ ۱/۵٪ می باشند (صدر، ۱۳۷۰، ص ۱۰۸). این تفاوت ناشی از اختلاف نظر در معادل سازی ارزش احشام است.

(۴) اگر شتر و گاو در فعالیتهای دیگری مثل آب کشی، حمل و نقل بار و مسافر، شخم زدن زمین و خلاصه برای اهدافی غیر از استفاده از فرآورده های لبنی و گوشت، نگهداری شوند زکات به آنها تعلق نمی گیرد (الطباطبائی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۹۸) این حکم ما را به این نتیجه می رساند که حکمت عمده جعل

زکات در احشام تأمین ضروریات زندگی فقرا و نیازمندان - مواد غذایی- است. موارد تعلق زکات و مصارف آن مؤید این کلام است زیرا از ۹ چیزی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد، ۷ قلم از آنها مواد خوراکی می‌باشند.

۵) اگر دامهای مذکور در مزارع خصوصی پرورش یافته و در مراتع عمومی تعلیف نشوند بدانها زکات تعلق نمی‌گیرد. می‌دانیم که مراتع عمومی در فقه در مالکیت امام(ع) و حکومت اسلامی می‌باشد یعنی اگر انعام ثلاثه در زمینهایی که از آن حکومت اسلامی است تعلیف شوند خداوند این حق را بر افراد بشر قرار داد تا درصدی از آن را به عنوان زکات به فقرا و یا دیگر مصارف برساند. ولی اگر از علوفه زمینهای خصوصی استفاده نمایند چنین حقی ثابت نمی‌گردد (الطباطبائی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۹۷). سائمه بودن در نزد فقها شیعه شرط وجوب زکات احشام می‌باشد و الا عمده فقها اهل سنت احشام معلوفه را نیز مشمول زکات می‌دانند (الجزیری، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۶۲۰).

#### ۴-۲-۲. زکات بر دیگر اموال

منظور از این عنوان، اموالی است که نظر فقها مذاهب مختلف در رابطه با وجوب یا عدم وجوب تعلق زکات بر آن متفاوت است. در کتاب العروة الوثقی آمده است:

نعم يستحب اخراجها من اربعة اخر: احدها: الحبوب ممّا يكال او يوزن، كالارز والحمص و الماش و العدس و نحوها. و كذا الثمار كالتمّاح و المشمش و نحوهما دون الخضر و البقول. الثاني: مال التجارة على الاصح. الثالث: الخيل الاناث دون الذكور. الرابع: الاملاك و العقارات التي يراد منها الاستئمان كالبلستان و الخان و نحوها. الخامس: الحلبي (زينت). السادس: المال الغائب او المدفون الذي لا يتمكن... و السابع: اذا تصرف في النصاب بالمعارضة في اثناء الحول بقصد الفرار من الزكاة (الطباطبائی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۹۰).

بعضی از محققین دو مورد دیگر را نیز اضافه می‌کنند:

الثامن: الغلات الاربع من غير البالخ. التاسع: مال التجارة اذا لم تطلب براس المال او بزيادة بل تطلب بنقيصة (المنتظري، ۱۴۰۵ق، ج ۲، صص ۲۸۴-۱۸۰).

اکثر قریب به اتفاق فقها اهل سنت قائل به وجوب زکات در مورد محصولات زراعی، طلا و نقره و مال التجاره می‌باشند.

الانواع التي تجب فيها الزكاة خمسة اشياء.

الاول: النعم و هي الابل و البقر و الغنم... و لا زكاة في غير ما بيناه من الحيوان فلا زكاة في الخيل و البغال و الحمير و الفهد و الكلب و نحوها الا اذا كانت للتجارة. الثاني: الذهب و الفضة و لو غير مضروبين. الثالث: عروض التجارة. الرابع: المعدن و الركاز. الخامس: الزرع و الثمار. و لا زكاة فيما عدا هذه الانواع الخمسة (الجزیری، ۱۹۸۴، ص ۵۹۶).

زکات این اقلام از حیث نصاب و مقدار، تابع زکات نقدین، غلات و احشام می‌باشد. یعنی آنچه که به ثروت و پول نقد بر میگردد احکام زکات نقدین بر آن جاری است. محصولات زراعی تابع احکام زکات غلات بوده و در حیوانات نیز احکام زکات احشام جریان دارد. اگر مؤدی زکات اظهار کرد که زکات مال خود را پرداخت کرده است قول او مورد قبول است پس خود اظهار مالیاتی سبب افزایش کارآیی مالیات‌ها می‌گردد که این اصل در زکات دیده می‌شود.

### ۳. خمس و موارد تعلق آن

خمس یکی از واجبات مالی در اسلام و بخصوص در نزد شیعیان می‌باشد. وجوب خمس فی الجمله از ضروریات اسلام بوده و قرآن، روایات و اجماع فقها بر آن دلالت دارد. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

(واعلموا أنّما غنمتم من شیء فانّ لله خمسہ وللرسول ولذی القربی والیتامی و المساکین وابن السبیل ان کنتم آمنتم باللّه و ما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان واللّه علی کلّ شیء قدیر (انفال، ۴۱))  
خداوند در این آیه موضوع خمس را غنیمت به دست آمده از هر چیز معرفی نموده است<sup>(۱)</sup>. لذا فقها شیعه با توجه به معنای لغوی غنیمت در آیه شریفه و به استناد روایات و اجماع، موارد تعلق خمس را تا هفت مورد شمرده‌اند که عبارتند از:

۱. غنائم جنگی
۲. معدن
۳. گنج (کنز)
۴. غوص
۵. درآمد کسب
۶. زمینی که ذمی از مسلمان بخرد
۷. مال حلال مخلوط به حرام

(الطوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱۶. الحر العاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۳۳۷. النجفی، ۱۹۸۲، ص ۱۰۰-۱)  
ولی از آنجا که مورد اوّل و دوّم در زمان حاضر در اختیار دولتها بوده و ارزش پولی موارد سوّم، چهارم و هفتم بسیار کم و مورد ششم نیز بیشتر به یک حکم حکومتی شبیه بوده تا یک حکم اقتصادی و به دلیل مصالحی در زمان حاضر اجرای آن موضوعیت ندارد، از بحث تفصیلی این موارد صرف نظر می‌کنیم و تنها مورد پنجم یعنی خمس درآمد کسب یا ارباح مکاسب که شبیه به مالیات بر درآمد است را مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌دهیم. گر چه در ابتداء به نحو اختصار مباحث مربوط به خمس بعضی از اقلام را بیان می‌کنیم.

۱. هر چند مورد آیه غنائم جنگی می‌باشد و به همین علت فقها اهل سنت تنها غنائم جنگی را مشمول خمس مذکور در آیه می‌دانند ولی ائمه (ع) و فقها شیعه مورد را مخصص نمی‌دانند. بحثهای تفصیلی مربوط به آیه در کتب تفسیری و فقهی وارد شده است.

تعلق خمس بر معدن منوط به مالکیت خصوصی معادن بوده و وجوب آن مشروط به نصاب - ۲۰ دینار - استثنای کردن هزینه استخراج می‌باشد ولی در بین فقها اهل سنت تنها حنابله در مورد معدن قائل به خمس می‌باشند و بقیه فرق اهل سنت به طور اجمال در بعضی از معادن قائل به زکات می‌باشند.

کنز (گنج) در بحث خمس غیر از کنز متعارف بوده و مراد مالی است که انسان آن را در دل زمین، دیوار، کوه و یا غیر آن یافته و مالک آن معلوم نباشد ولی به نحو اجمال می‌دانیم که متعلق به چند نسل قبل بوده و ورثه آن نیز معین نمی‌باشند. در کنز بلوغ به حد نصاب ۲۰ دینار شرط است. اهل سنت کنز را به صورت عنوان مستقل نمی‌شناسند بلکه اگر کنز علائم جاهلیت و غیر اسلامی داشته باشد از باب غنایم جنگی مورد تعلق خمس است و الا مشمول احکام لقطه می‌باشد.

غوص نیز در نزد شیعیان به شرط رسیدن به حد نصاب - ۱ دینار - مشمول خمس است ولی فقهاء اهل سنت بالا جماع در این مورد قائل به پرداخت چیزی نمی‌باشند.

غنیمت جنگی از موارد اجماعی بحث خمس است و تمامی فرق اسلامی نائل به وجوب خمس در آن می‌باشند ولی فقها اهل سنت تنها همین مورد را غنیمت و موضوع خمس در آیه ۴۱ سوره انفال می‌دانند.

مال حلال مخلوط به حرام در صورتی که مقدار و مالک آن معین باشد به نظر همه فقها می‌بایست به مالک آن برگردانده شود. و اگر مالک آن معین و مقدار نامعین باشد می‌بایست مصالحه شده و اگر مقدار معین ولی مالک نامعین باشد مشمول احکام لقطه است و اگر هم مالک و هم مقدار آن نامعین باشد به نظر فقها شیعه مشمول خمس است ولی به نظر فقها اهل سنت حکم لقطه را دارد. (النجفی، ۱۹۸۲، ص ۱۰۰-۱، الطباطبائی، ۱۳۹۸ق، ۴۵۰-۲۳۰، البخاری، ۱۹۸۱، ج ۱۳، ص ۸۱-۷۳. الجزیری، ۱۹۸۶، ص ۱۵-۶۱۱ و المنتظری، ۱۴۱۲، ص ۸-۱۳۶).

### ۳-۱. تعریف ارباح کسب (درآمد)

موضوع خمس درآمد کسب یا فائده کسب می‌باشد. فقها در تعریف فائده و حدود آن اختلاف نظر دارند و این اختلاف ناشی از اجتهاد و براءت آنها از مقتضیات اولیه وجوب خمس می‌باشد. بطور کلی بعضی از آنها تنها سودهای حاصل از هر نوع کسب را موضوع خمس می‌دانند و بعضی دیگر موضوع آن را اعم از مورد مذکور یعنی هر نوع فائده ولو از طریق غیر کسب می‌دانند. البته اختلاف نظرهایی نیز در بین این دو تقسیم کلی وجود دارد. (الحکیم، ۱۳۹۰ق، ص ۵۲۱)

درآمد مشمول خمس باید به شکل خالص مورد اندازه‌گیری قرار گیرد، یعنی باید پس از کسر هزینه‌های تحصیل آن محاسبه شود. چنانکه روایات عدیده‌ای به «الخمس بعد المؤمنه» تصریح دارند. اطلاق این روایات هزینه‌های تحصیل را نیز شامل می‌شود. علاوه بر اینکه موضوع خمس فائده و غنیمت می‌باشد که فائده و غنیمت عرفاً بر درآمد خالص (سود) صادق می‌باشد. اما اینکه چه نوع هزینه‌هایی را

می‌توان کسر نمود اغلب فقها در کتب فقهی خود در این بحث به آن اشاره‌ای نکرده‌اند<sup>(۱)</sup> و شاید به این خاطر باشد که ربح و فائده یک مفهوم عرفی بوده و تعیین موارد آن به عرف واگذار شده است (المفید، ۱۴۱۰ق، ص ۶۷۶، النجفی، ۱۹۸۲، ص ۴۵. الطباطبایی، ۱۳۹۷ق، ص ۴۴۶ و المنتظری، ۱۴۹۲، ص ۲۰۰-۱۴).

در وجوب خمس بر درآمد کسب فرقی نمی‌کند که درآمد از کار (دستمزد) بدست آمده باشد (درآمد اکتسابی) و یا ناشی از سرمایه باشد، بنابراین هر دو صورت بطور یکسان مشمول خمس می‌باشند. البته در مشاغل کوچک که فرد و حتی خانواده فرد (فرزندان و همسر) با سرمایه اندکی مشغول کار هستند و نوعاً درآمد بدست آمده را می‌توان درآمد ناشی از کار آنها به حساب آورد.

در ارزش سرمایه خمس به عین مال تعلق می‌گیرد و همچنین نرخ نهائی آن ثابت می‌باشد لذا در اینگونه موارد تحت‌تأثیر تورم قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر مانند این است که خمس بر درآمد واقعی تعلق گرفته است. البته در افزایش ارزش سرمایه مسائلی وجود دارد که در جای خود به آن پرداخته می‌شود.

از طرف دیگر با بررسی تحولات مالیاتی طی دو دهه اخیر در جهان عمدتاً این تحولات در جهت کاهش تعدد نرخ‌های مالیاتی، حرکت به سمت نرخهای تناسبی، گرایش به سمت مالیات بر ارزش افزوده (VAT)<sup>(۲)</sup> حرکت به سوی مالیات بر درآمد اشخاص و درآمد شرکتها، اتکا بر نیروهای بازار به جای دخالت دولت در سیاستهای اقتصادی است (گیلک حکیمآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰ - ۱۰۰). از مقایسه آن با خمس می‌توان نتیجه گرفت:

اولاً) درآمد مشمول خمس، کلیه درآمدهائی است که فرد یا خانوار از نیروی کار و سرمایه خود به‌دست می‌آورد. بنابراین قوانین خمس موجب گسترش پایه مالیات بر درآمد می‌شوند. از این رو به‌عنوان مالیات بر درآمد جامع تلقی می‌گردد.

ثانیاً) پائین و یکنواخت بودن نرخ نهائی، ساده بودن، ثابت بودن قانون، گسترده بودن پایه خمس، یکی بودن نرخ برای تمامی درآمدها از جمله درآمد شرکتها و درآمد اشخاص و ویژگی‌های مالیاتی خمس است که می‌تواند اجراء آن را ساده‌تر از نظام مالیاتی فعلی نماید.

ثالثاً) ویژگیهای فوق به همراه معیارهای ساده سازی و خنثائی، برابری افقی را تأمین می‌نماید و به‌نظر می‌رسد با توجه به استفاده از معافیت زندگی به جای نرخهای تصاعدی بالا برابری عمودی را تا حدودی تأمین نماید (همان، ۱۲۵-۱۱۰).

۱. در بحث خمس معدن به مخارج استخراج و تصفیه و مانند آنها تصریح شده است.

1. Value added tax.

بنابراین به طور کلی می‌توان اظهار نمود که خمس مالیاتی از انگیزه‌های اصلاحات جهانی برخوردار بوده و در راستای اهداف پیشنهادی سازمانها و ارگانهای علمی جهانی به کشورها می‌باشد<sup>(۱)</sup>.

در این صورت تمامی فوائد مالیات یکنواخت که اصلاحگران نظامهای مالیاتی در دنیا برای این نوع مالیاتها بیان می‌کنند یعنی ساده‌سازی، کارائی و عدالت در صورت اجرا خمس به عنوان یک نظام مالیاتی، محقق خواهد شد. همچنین بر خلاف مالیات یکنواخت، در خمس حساب افراد، بنگاهها و شرکتها به طور مجزا بررسی و محاسبه نمی‌شود بلکه خمس به عنوان یک تکلیف شرعی فردی، متوجه فرد مؤدی بوده و شخصیت‌های حقوقی مکلف به اداء آن نمی‌باشند(همان، ص ۱۲۵-۱۱۰).

گرچه سرمایه مشمول خمس می‌گردد و این امر ممکن است سبب کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش مصرف در جامعه گردد ولی ذکر سه نکته در این باب لازم است:

اولاً) خمس تکلیف مالی است که تنها یک بار بر مال تعلق می‌گیرد، و با توجه به گسترش پایه مالیاتی خمس اثر منفی قابل محسوسی بر سرمایه‌گذاری ندارد.

ثانیاً) مصرفی در خمس از معافیتی برخوردار است که در شأن طبقاتی و اجتماعی مؤدی خمس و فرد مصرف کننده باشد و مصارف بالاتر از شأن نیز مشمول خمس می‌باشد..

ثالثاً) تعلق خمس بر سرمایه با توجه به ریشه‌دار بودن عدالت اقتصادی در اسلام به واسطه عدالت قبل از توزیع، سبب بسط بیشتر عدالت از طریق عدالت بعد از توزیع می‌گردد.

#### ۴. اموال مورد تعلق زکات و خمس در یک نگاه

با تأمل و دقت در فتاوی فقهای اهل سنت و شیعه در باب اموال مورد تعلق زکات و خمس درمی‌یابیم گرچه فقها شیعه اموال مورد تعلق زکات واجب را تنها ۹ مورد برشمرده و فتاوی اهل سنت در این مورد وسیع می‌باشد ولی در طرف مقابل اموال مورد تعلق خمس در فقه شیعه وسیع بوده به نحوی که مورد وجوب خمس در نزد امامان شیعه(ع) تا ۷ مورد شمرده شده که ارباب مکاسب و مشاغل، امروزه به تنهایی یکی از وسیعترین پایههای مالیاتی است. اما در نزد اهل سنت موضوع خمس تنها غنائم جنگی و بعضی موارد نادر می‌باشد. مقایسه و تقریب موارد تعلق خمس و زکات را می‌توان به صورت جدولی ارائه کرد که اموال مورد متعلق خمس و زکات را بیان میکند. نکته جالب این است که گرچه ممکن است اختلافاتی جزئی در شرایط تعلق حقوق مالی بر اموال وجود داشته باشد ولی در مجموع تقریبی بسیار نزدیک در مورد واجبات مالی در فرق پنج گانه اسلامی به چشم می‌خورد. یعنی ولو اینکه ممکن است موردی از اموال در فقه شیعه مورد تعلق خمس و در فقه اهل سنت مورد تعلق

۲. ایده مالیات یکنواخت بر درآمد ایده‌ای است که در اوائل ۱۹۶۲ توسط میلتون فریدمن در اثر معروفش به نام سرمایه داری و آزادی با نرخ ۲۳/۵٪ آنرا پیشنهاد می‌کند (Felows, 1995, p.18).

زکات باشد ولی نتیجه نهایی این است که خداوند سبحان بر اموال افراد حقوقی مالی را قرار داده است و اموال مورد تعلق این حقوق در هر پنج نحله فقهی بسیار به هم نزدیک می‌باشند.

نتیجه دیگر اینکه این جدول نشان می‌دهد صرف نظر از اینکه حقوق مالی مورد تعلق، خمس باشد یا زکات خداوند حقوقی را بر «اموال» افراد وضع کرده است یعنی از آنجا که خداوند مالک حقیقی اموال بوده و مالکیت اعتباری آن را به انسان‌ها واگذار کرده است، مقدار و درصدی از آن را به صورت تکلیفی عبادی برای اهدافی خاص بر بندگان الزام نموده است.

خداوند در آیه ۱۰۳ سوره توبه به پیامبر (ص) امر می‌کند تا از اموال مردم صدقه (زکات) دریافت کند. این آیه مورد تعلق زکات را لفظ «اموال» قرار داده است و اشاره‌ای به اموال مورد تعلق زکات نمی‌نماید. ولی در روایات وارده در جوامع شیعه و سنی، پیامبر (ص) اموال مورد تعلق زکات را تعیین کردند. یعنی اصل وجوب زکات از جانب خداوند است ولی مورد تعلق آن لفظ عام «اموال» یعنی آنچه که در جامعه مال و ثروت بر آن اطلاق می‌شود مورد تعلق زکات است. لکن در صدر اوّل به واسطه اقتصاد آن زمان که اقتصادی کشاورزی و تجاری بود عمده اموال مردم غلات اربعه، احشام سه گانه و نقدین عمده و زکات نیز بر آنها تعلق می‌گرفت.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که لفظ زکات در قرآن اعم از زکات فقهی است. زکات در قرآن شامل هر گونه پرداخت تقریبی بندگان می‌گردد که به منظور تطهیر مال و روح مؤدّی، برکت در مال، تقرّب بنده به خداوند، نموّ و زیادتی در مال و تعالی روح پرداخت کننده، در راه خدا پرداخت می‌گردد (کیاء الحسینی، ۱۳۷۷، ص ۲۵-۱۰).





## ۵. مصارف زکات

گر چه قرآن اموال مورد تعلق زکات را به تفصیل بیان نکرده و تنها آن را تحت عنوان مطلق «اموال» قرار داده است، ولی مصارف آن را به تفصیل در آیه ۶۰ سوره توبه اینگونه بیان می‌کند:

انما الصدقات للفقرا و المساکین و العالین علیها و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل اللّٰه و ابن السبیل فریضه من اللّٰه و اللّٰه علیم حکیم.

ولی در مصداق هر یک از مفاهیم هشتگانه بین مذاهب اسلامی، بلکه بین علماء هر یک از مذاهب تفاوتی وجود دارد. مباحث فقهی مربوط به مصارف زکات در کتب فقهی آمده است که از حوصله بحث خارج است<sup>(۱)</sup> لذا در این مقال تلاش می‌کنیم تا به اختصار به مباحث فقهی اشاره شود ولی مباحثی که مربوط به اصول مالیاتی است با شرح بیشتری طرح شود که این بحث حول محور آیه ۶۰ سوره توبه مطرح می‌گردد.

(۱) اولین بحث به جمله آخر آیه، (فریضه من الله) مربوط است. این جمله قرینه بر مصارف زکات واجب می‌باشد. زیرا فریضه به عمل واجب اطلاق می‌گردد.

(۲) بحث دوم در رابطه با مجرورات آیه است. چهار دسته اول (فقرا مساکین، عاملین زکات و مؤلفه القلوب) با حرف (لام) و دو دسته (الرقاب و سبیل الله) با لفظ (فی) مجرور شده‌اند. بعضی از مفسرین قائلند که (الغارمین و ابن السبیل) نیز مجرور به (لام) می‌باشند.

ولی با توجه به ادله سه‌گانه و قرینه لفظیه می‌توان گفت که چهار دسته اول در آیه کریمه مجرور به (لام) بوده و الباقی مجرور به (فی) می‌باشند. بدین ترتیب می‌گوئیم چهار دسته اول بعد از اخذ زکات مالک آن می‌گردند. بر خلاف چهار دسته دیگر که می‌بایست زکات را در مصارف مخصوصه صرف نمایند و مالک زکات نمی‌گردند (الطباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۷ق، ج ۹، ص ۱۱-۳۱۰).

(۳) بحث دیگر مربوط به عاملین زکات یا جمع آوران و کسانی که آن را به بیت المال یا ولی فقیه و یا مجتهد جامع شرایط می‌رسانند، می‌باشد. و این یک امر طبیعی برای هر سازمان مالی است که اجرت و مزد عاملین آن از محل وجوه جمع آوری شده آن منبع مالی پرداخت گردد.

هفت گروه باقی مانده را می‌توان به نحو کلی بدین گونه تقسیم نمود: الف) گروه‌هایی که مصرف زکات برای آنها برای تعالی و مجد اسلام و اعلاء کلمه حق و دفاع از اسلام و مسلمین است. این امر از ضروری‌ترین واجبات جامعه و حکومت اسلامی است. وقتی امری تا این حد ضروری باشد مصرف مال در آن مورد نیز لازم خواهد بود.

۱. مراجعه شود به الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱ ص ۲۶-۶۲۱، العروه الوثقی، ص ۸-۴۰۶، الخلاف ج ۲، ص ۳۵۱، شرایع الاسلام ج ۱، ص ۱۶۱، جواهر الکلام، ج ۵، ص ۸۰-۳۴۰، النهایه، ص ۱۸۴، شرح المعه الدمشقیه، ج ۲، ص ۴۹، فقه الزکاة، ج ۲، ص ۶۴۳ و کتاب الزکاة، ج ۳ و توضیح المسائل مراجع تقلید.

آیه مورد بحث به دو مصداق آن اشاره می‌کند که عبارتند از: «مولفَةُ القلوب و سبيل الله»، بنابراین تفسیری که در فی سبیل الله ارائه شد، این مفهوم شامل کلیه مخارج اجتماعی، برای دفاع از اسلام و مسلمین، کالاهای عمومی و امور خیریه‌ای که منفعت آن به اجتماع مسلمین برمی‌گردد، می‌باشد. ب) موارد باقی مانده که مهمترین گروه مصارف زکات را تشکیل می‌دهند عبارتند از فقراء، مساکین، رقاب، غارمین، و ابن السبیل. اگر بخواهیم وجه الجمعی برای آنها پیدا کنیم همان چیزی خواهد بود که امروزه در ادبیات اقتصادی به نام تأمین اجتماعی معروف است.

یعنی خداوند زکات را علاوه بر اینکه برای تطهیر مال و نفوس مؤذیان زکات و نمو و زیادی اموال آنها جعل نموده، از طرف دیگر مصرف آن را یک نوع تأمین اجتماعی برای دستگیری از افرادی که با مشکل مالی در تأمین مایحتاج زندگی خود مواجهند، و یا اساساً آزادی آنها از طریق پرداخت مال به دست می‌آید و یا بدهکارانی که دیون آنها در زندگی روزمره بیش از سرمایه‌شان گشته و یا مسلمانانی که در راه مانده‌اند، قرار داده است تا از این طریق یک نوع تعاون و همیاری و تعاضد بین افراد جامعه اسلامی به وجود آمده و یا گسترش یابد. دلیل بر آن روایات باب زکات است که به نحو مفصل در جوامع روایی وارد شده است.

بنابراین میتوان نتیجه گرفت یکی از مهمترین علل جعل زکات فقهی، تأمین ضروریات افراد محتاج، در جامعه اسلامی است که با توجه به فرهنگ اسلامی (أما المومنون اخوة) و ادله دیگر، قرآن و ائمه (ع) در صدد تربیت جامعه اسلامی در این راستا بوده تا روحیه اتحاد و یگانگی در جامعه اسلامی حاکم گردد. خداوند سبحان نیز احکام مالی از جمله زکات را در جهت تحقق این هدف جعل کرده است. لذا معصومین (ع) فلسفه جعل آن را تأمین قوت فقرا یا تأمین نیازهای ضروری محتاجین بیان می‌کنند. در اکثر این روایات معصومین (ع) علت را به خداوند سبحان نسبت می‌دهند.

پس اساس مخارج زکات فقهی تأمین ما یحتاج مسلمانان (اعم از غذا، لباس، و اداء دین و غیر آن) می‌باشد. هرچند در مورد آزادسازی بندگان چون موضوع آن آزادسازی انسان و کرامت انسانی است، اسلام حکم را تعمیم داده و آزادسازی غیر مسلمانان را نیز جایز می‌داند. از طرف دیگر از آنجا که دفاع از کیان اسلام و مسلمین نیز مهم، بلکه از اهم واجبات است شارع مقدس تأمین مالی آن را از طریق زکات فقهی اجازه داده است. بعضی از موارد فی سبیل الله (مثل ساختن ابنیه، پل و غیر آن) هم از مصادیق مجد و عظمت اسلام و توسعه جامعه اسلامی است و هم از مواردی است که نفع آن به همه مسلمانان از جمله فقرا و نیازمندان می‌رسد، زیرا نوعی از کالاهای عمومی هستند که جامعه بدان نیازمند می‌باشد.

## ۶. مصارف خمس

از آنجا که بر اساس آیه ۴۱ سوره انفال مصرف خمس بین ۶ دسته (الله و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل) تقسیم شده، بر حسب نوع مالکیت هر یک از اصناف و تفاوت مالکیت

امام(ع) در زمان حضور و غیبت احتمالات چندی بوجود می‌آید. به طور خلاصه ۴ قول برای مصرف خمس در زمان حضور امام(ع) و نزدیک به ۲۰ احتمال برای آن در زمان غیبت امام طرح شده است (گیلک حکیم آبادی، ۱۳۷۹، ص ۲۳-۳۷). لکن دو قول از میان آنها قابل توجه است که بدن شرح می‌باشند. مشهور فقها بر این قولند که خمس به شش قسمت تقسیم می‌گردد (البحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۴۱۹، النجفی ۱۹۸۲، ج ۱۵، ۱۶۵). این قول مستفاد آیه خمس و چند روایت می‌باشد. لکن از آنجا که خداوند مالک مطلق و حقیقی جهان هستی است مالکیت اعتباری او بر خمس، به این معنی است که سهم او باید در اختیار پیامبر(ص) قرار گیرد، ظاهر بسیاری از اخبار دلالت بر آن می‌کند. مراد از ذی القربی در آیه ۴۱ سوره انفال، خصوص امام(ع) است و لذا در آیه کریمه به لفظ مفرد آمده است، پس تنها قرابت به رسول کافی نمی‌باشد بلکه از آن منسب امامت که منحصر در قرابت است، می‌باشد. بدین ترتیب سهم خدا و رسول(ص)، نیز به امام(ع) می‌رسد. در نتیجه نصف خمس سهم امام(ع) خواهد بود. در دوران غیبت حضرت ولی عصر(عج) این سهم به فقهاء جامع‌الشرایط می‌رسد. لکن نصف دیگر خمس بر اساس قول مشهور متعلق به ایتم، مساکین و ابناء سبیل -جملگی از بنی‌هاشم - است(المنتظری، ۱۴۱۲، ص ۵-۳۰۴).

قول دوم و غیر مشهور در رابطه با مصارف خمس - این است که تمامی، خمس اولاً و بالذات متعلق به خدای سبحان بوده و در مرتبه بعد آن را به رسول(ص) واگذار کرده است و بعد از رسول به قائم مقام او یعنی امام (ع) می‌رسد. لذا در آیه کریمه لفظ (لام) که برای اختصاص است، استعمال شده، و بعد از آن (یعنی برای سه دسته دیگر) از لفظ لام استفاده نشده است. این ترتیب در آیه اشعار به این دارد که خمس یک نوع مالیات اسلامی می‌باشد که در اختیار حکومت اسلامی قرار گرفته تا رئیس دولت یعنی رسول (ص) یا امام (ع) و یا جانشینان آنها بر اساس مصالح حکومتی آن را از جمله مصارف مخصوصه (ایتم، مساکین و در راه ماندگان) مصرف نمایند و ذکر این سه دسته از باب ذکر مصادیق مصرف خمس می‌باشد(الخیمینی، ۱۳۸۴ق، ص ۴۹۶ و المنتظری، ۱۴۱۲، ص ۳۰۵).

قائلین به این قول به آیه فیء استشهد می‌کنند. خداوند در این آیه می‌فرماید:

(ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى فلله وللرسول ولذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم و ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب. (الحشر، ۷)) سیاق این آیه با سیاق آیه خمس واحد است، زیرا مصارف شش گانه در هر دو یکی است و مهمتر این که در آیه فوق الذکر نیز لام اختصاص، در ابتداء کلمات الله، الرسول و ذی القربی تکرار شده و در ابتداء سه لفظ دیگر وارد نشده است. بنابراین بر اساس وحدت سیاق این دو آیه می‌توان نتیجه گرفت که:

اولاً) خمس مثل انفال اولاً و بالذات مال خداوند سبحان بوده ولی خداوند آنرا در اختیار حاکم اسلامی قرار می‌دهد تا به مصارف مخصوصه برساند.

ثانیاً) خمس و انفال (فیء) از اموال امام بما هو امام و زعیم حکومت اسلامی بوده و از اموال شخصی آنها نمی‌باشد. لذا به صورت ارث به همه فرزندان امامان معصوم (ع) منتقل نگردیده و از اموال حکومت اسلامی است.

سوم) اگر وحدت سیاق این دو آیه را بپذیریم باید گفت همچنانکه آیه فیء شامل همه مسلمین می‌گردد - زیرا شأن نزول آن در رابطه با اموال بنی نضیر است که بعد از تسلیم شدن آنها، پیامبر اکرم (ص) اموال آنها را بین مهاجرین و دو یا سه نفر از انصار تقسیم نمود - خمس نیز اختصاص به آل‌هاشم نداشته و مال عموم مسلمین است (المنتظری، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۶). نظر امام خمینی در این مورد این است:

«و بالجمله من تدبر مفاد الآیة و الروایات يظهر له ان الخمس بجميع سهامه من بيت المال و الوالی، و له التصرف فيه و نظره متبع بحسب المصالح العامة للمسلمين» (۱۳۸۴ق، ص ۴۹۵).

#### ۷. نتیجه‌گیری

آیات قرآن و تفاسیر مربوط به آن دلالت میکند که لفظ زکات در آیات قرآن بر معنی لغوی آن دلالت میکند که عبارت از مالی است که افراد برای تقرب به خدا پرداخت میکنند گر چه آثار دیگری از جمله طهارت روح و مال و علو درجات اداء کننده و افزایش مال نیز بر آن مترتب میگردد. با این نتیجه میتوان زکات فقهی، خمس و صدقات را از مصادیق زکات قرآنی دانست.

از طرف دیگر از قدیم الایام مالیات یکی از مهمترین منبع درآمدی دولت‌ها بوده و کارآمدی نظام مالیاتی نشانه پایداری و عادلانه بودن نظام اقتصادی و ناکارآمدی این نظام علامت بی عدالتی و در نهایت اضمحلال حکومت‌ها بوده است. لذا بخش اقتصادی حکومت‌ها به دنبال نرخ‌های بهینه‌ای بودند که فراهم کننده حداکثر درآمد مالیاتی برای خزانه دولت و برآورده کردن عدالت اقتصادی و در عین حال دارای کمترین پیامدهای منفی بر کارآئی و رشد باشد.

در تعریف مالیات اینگونه آمده است: «پرداخت اجباری، یکی جانبه و غیر قابل بازپرداخت به دولت» (IMF, 1998, p.118). از طرف دیگر مصارف مالیات نیز عمدتاً در بودجه عمومی دولت‌ها برای هر سال معین میگردد. بنا براین خمس و زکات را نمیتوان به دلایلی مالیات مصطلح نامید که بعضی از آنها عبارتند از: عبادی بودن زکات و خمس، معین بودن و ثابت بودن نرخ آنها، تأثیر فتاوی مراجع تقلید بر میزان وجوب هر یک از خمس و زکات، معین و منصوص بودن مصارف آنها. لکن میتوان از آنها نتایجی را برای نظام مالیاتی دولت‌ها - بالاخص دولتهای اسلامی - استخراج کرد.

گر چه در دهه‌های آغازین قرن بیستم و با گسترش آموزه‌های اقتصاد کینزی و به منظور تحقق عدالت عمودی، نرخ‌های متعدد مالیاتی و نظام مالیات تصاعدی از جانب سازمان‌های بین‌المللی به دیگر

کشورها پیشنهاد میشود ولی از دهه ۸۰ به بعد این توصیه‌ها به سمت نرخهای تناسبی ثابت و تغییر و گسترش در پایه مالیاتی از مالیات بردرآمد و ثروت به سمت مالیات بر ارزش افزوده تغییر مسیر داد. آموزههای فقهی اسلام در زمینه مالیه اسلامی که شامل واجبات و مستحبات می‌باشد میتواند راهگشای خوبی به طور خاص برای نظام مالیاتی کشورهای اسلامی و به طور عام برای همه نظام‌های اقتصادی باشد. با طرح فشرده مباحث فقهی مربوط به زکات و خمس از منظر پنج نحله فقهی اسلام اصول حاکم بر نظام مالیاتی اسلام استخراج شده که می‌توان ذیلاً به آنها اشاره کرد:

۱. گرچه در مشخصات زکات و خمس بیان شده که ایندو یک عمل عبادی هستند و این مشخصه آنها را از مالیات بودن دور میکند ولی نکته مهم و اساسی در همین عبادی بودن آندو است، زیرا با این مشخصه خداوند یک نوع پرداخت مالی را بر مسلمانان در هر شرایط زمانی و مکانی - حتی اگر دولتی وجود نداشته باشد- واجب نموده است و آنرا با آموزههای اخلاقی در هم تنیده تا ضمانت اجرائی آن را بالا ببرد. یعنی پرداخت آن احتیاج به ضمانت اجرائی و استقرار دولت، خزانه و نظام مالیاتی نداشته و به صورت خودکار و با تحقق شرایط مسلمانان آن را برای وصول به اهداف معنوی میپردازند.

۲. از طرف دیگر با معین کردن مصارف زکات و خمس که قبلاً بیان شد روشن میشود که ضروریترین هزینهها عمومی برای یک اجتماع انسانی، تأمین نیازهای اساسی نیازمندان و حفظ اسلام و نظام اسلامی است و این امور اهم مصارف خمس و زکات است که پرداختن به آن محتاج به دولت نمی‌باشد گرچه وجود دولت میتواند در شرایطی بر کارآیی این نظام مالیاتی خاص بیفزاید. به عبارت دیگر خداوند سبحان برای تأمین نیازهای ضروری نیازمندان و همچنین بعضی از نیازهای ضروری اجتماع، یک نظام تأمین اجتماعی خودکار مردمی را بوجود آورد که با عبادی بودن آن هم ضمانت اجرائی آن بالا می‌رود و هم افراد به فواید معنوی میرسند. این پرداختها گرچه در اسلام بر اموال خاصی واجب شده ولی آیات ۳۰، ۳۱، ۵۴، ۵۵ سوره مریم و آیه ۸۳ سوره بقره دلالت میکند که پرداختهایی از این نوع از جانب انبیاء سلف تحت عنوان زکات توصیه شده است.

۳. گرچه امروزه ارزش پولی زکات کم می‌باشد ولی در آیه ۱۰۳ سوره توبه متعلق زکات واجب «اموال» است. بررسی تاریخی نیز نشان می‌دهد که عمده اموال در اقتصاد آن روز جزیره العرب مورد تعلق زکات بودند. حدیث مروی از امام صادق(ع) نیز دلالت می‌کند که انحصار تعلق زکات بر ۹ قلم از اموال از جانب پیامبر(ص) بوده یعنی اموال مورد تعلق زکات از جانب حاکم اسلامی تعیین گردید (الحرر العاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۳).

۴. نرخ زکات در نقدین ۲/۵٪ می‌باشد و با توجه به اینکه با شرایط خاصی تعلق زکات در سالهای بعد نیز بر آن واجب می‌شود، می‌توان گفت که یکی از پایههای مالیاتی اموالی است که از چرخه

تولید خارج میشوند که در اصطلاح امروزی بر آنها کنز اطلاق می‌شود. کنز به این معنی متفاوت از کنزی است که متعلق خمس است.

۵. زکات در محصولات زراعی بر خالص تولید ( شبه اجاره) تعلق می‌گیرد و هزینه‌های حسابداری تولید از تولید استثناء می‌گردد. از آنجا که گاهی اوقات مقداری از عوامل تولید در بخش کشاورزی ( زراعت) از جانب خداوند در اختیار تولید کننده قرار می‌گیرد لذا بر حسب این عامل زراعات به دیم و آبی تقسیم می‌گردد. اگر عامل تولید ( آب) به صورت طبیعی در اختیار زارع قرار گیرد ۱۰٪ خالص تولید و اگر با سرمایه‌گذاری تهیه شود ۵٪ خالص تولید به عنوان زکات باید پرداخت شود.

۶. گرچه نصاب احشام بر خلاف دو قسم دیگر ( نقدین و غلات اربعه) و میزان زکات آن متحد نبوده و بر حسب هر یک از حیوانات متفاوت می‌باشد ولی با محاسبات معین شد که نرخ زکات در آنها نیز مقداری ثابت است لکن نرخ آن در گوسفند ۱٪ و در گاو و شتر ۲٪ می‌باشد. با توجه به دو شرط عامل نبودن و سائمه بودن می‌توان گفت زکات در احشام مثل زکات نقدین، زکات بر ثروتی است که در چرخه تولید قرار نداشته باشد.

۷. از شرط عامل و خرما و کشمش) بعد از تحقق نصاب و استثناء کردن هزینه تولید واجب می‌شود زیرا بشر در هر شرایطی به آن نیاز دارد ولی در محصولات دامی ( که کشتش درآمدی بالاتری دارند) در صورت سائمه بودن و عامل نبودن زکات واجب می‌شود و نیاز به آنها به اندازه نیاز به محصولات زراعی نیست. بهر حال تأمین نیاز غذایی فقرا مهم ترین هدف جعل زکات است. این نتیجه گیری با نص بعضی از روایات ( الحر العاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۱۰) سازگار است.

۸. گرچه در فقه اهل سنت موارد تعلق زکات به بیشتر از ۹ مورد تقسیم داده شد ولی موضوع خمس در نزد آنها تنها منحصر به غنایم جنگی است که در نزد شیعیان به ۷ مورد تعمیم داده می‌شود که با ارزشترین مورد آن خمس ارباح مکاسب می‌باشد.

۹. خمس ارباح مکاسب بر درآمد و سرمایه واجب می‌گردد ولی هزینه‌های تولید و همینطور هزینه‌های مصرفی سالانه ( مؤونه) از آن استثناء می‌گردد. به عبارت اقتصادی این نوع خمس را میتوان شبیه به مالیات بر ارزش افزوده دانست.

۱۰. جدول (۲) تقریب بین مذاهب پنجگانه فقهی اسلام را نشان می‌دهد که گرچه تفاوتی در نوع حکم در آن به چشم می‌خورد ولی به طور عموم در این موارد خداوند حقوقی مالی را قرار داده است که افراد می‌بایست آن را اداء نمایند و این همان زکات در قرآن است که در ابتداء مقاله بیان شد که بر هرنوع پرداخت تقریبی فرد اطلاق می‌گردد و این تفسیر منطبق با معنی لغوی زکات می‌باشد.

۱۱. گرچه اموال مورد تعلق زکات و خمس در نحله‌های مختلف فقهی اسلام، متفاوت است ولی به واسطه تنصیص آیات قرآن بر مصارف آنها، اختلاف آراء کمتر بوده و عمدتاً اختلاف در مصادیق موارد ذکر شده می‌باشد. مصارف زکات ۸ صنف می‌باشد که روایات وارده عمدتاً توزیع در بین فقرا و امحاء فقر را در ردیف اول مصارف قرار داده است. با کلی کردن مصارف زکات به این نتیجه رسیدیم که بعد از استثناء کردن عاملین زکات در دو قسم کلی الف) هزینه‌های عمومی برای حفظ و اعتلاء اسلام و جامعه اسلامی (فی سبیل الله و المؤلفه القلوب) و ب) تأمین اجتماعی (باقیمانده و اعتلاء اصناف) مصرف می‌شود.

۱۲. از آنجا که اهل سنت خمس را تنها منحصر به غنایم جنگی و موارد نادری دیگر از اموال میدانند لذا مالیاتی منصوص برای نظام اسلامی (اعم از حکومت اسلامی یا جانشینان امام(ع)) بوجود می‌آید که طبق نظر فقها معاصر از جمله امام خمینی در مصارفی که ماهیت تأمین اجتماعی دارد هزینه می‌گردد.



## ۸. پیشنهادات

- ۱- زکات نقدین و احشام نوعی زکات بر ثروت خارج شده از چرخه تولید است که نرخ آن بین ۱٪ تا ۲٪ در احشام و ۲/۵٪ برای نقدین برآورد شد. می‌توان با کار تجربی در مورد مالیات بر کنز(ثروت خارج شده از گردنه تولید) نسبت به کار آمدی این نرخ قضاوتی تجربی داشته و نرخ بهینه آن را پیشنهاد کرد لکن میتوان گفت که در نظام مالی اسلام نرخ مالیات بر این نوع ثروت نرخی ثابت است.
- ۲- زکات محصولات زراعی و خمس - بالانحص خمس ارباح مکاسب- این نظریه را پیشنهاد میکند که در نظامهای مالیاتی میبایست هزینه تولید و همچنین نیازهای مصرفی افراد میبایست جزء موارد عفو مالیاتی باشد. نرخ مالیاتی پیشنهادی در محصولات زراعی ۵٪ تا ۱۰٪ خالص تولید و در ارباح مکاسب ۲۰٪ ارزش افزوده است.
- ۳- خمس و زکات دارای مشخصاتی هستند که میتوان آن را به نظامات مالیاتی پیشنهاد کرد این مشخصات عبارتند از یکنواخت بودن نرخ نهایی، ساده و ثابت بودن قانون آن، گسترده بودن پایه خمس، یکی بودن نرخ آن برای تمامی اقسام درآمدها که اجراء آن را نسبت به نظامهای فعلی مالیاتی سادهتر میکند. معیارهای فوق به همراه ساده سازی و خنثائی تحقق برابری افقی در جامعه را آسانتر می‌کند.
- ۴- استثنا کردن هزینه تولید در عمده موارد زکات و خمس و همچنین وجود نصاب در زکات و استثناء کردن هزینه مصرفی سالانه در خمس به همراه عبادی بودن و کفایت خود اظهاری، موجب بالارفتن اعتماد حکومت به مؤدیان مالیاتی می‌گردد. این امر هزینه جمع آوری مالیات را کاهش می‌دهد.

## منابع و مأخذ

۱. پژوهشگران، جمشید، اقتصاد بخش عمومی، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران، ۱۳۷۲.
۲. پورمقیم، جواد. اقتصاد بخش عمومی، نشر نی، تهران، ایران، ۱۳۶۹.
۳. جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی، انتشارات سمت، تهران، ایران، ۱۳۷۱.
۴. دادگر، یدالله، اقتصاد بخش عمومی، انتشارات دانشگاه مفید، قم، ایران، ۱۳۸۰.
۵. کیاالحسینی، سید ضیاء الدین، زکات در قرآن و برآورد تابع آن در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، قم، ۱۳۷۷ ش.
۶. گیلک حکیمآبادی، محمد تقی، امکان جایگزینی مالیات بر درآمد با خمس و تبیین آثار آن بر برخی از متغیرهای اقتصاد کلان، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد، ۱۳۷۹.
۷. ماسگریو. ریچارد. ا. و پگی. ب. ماسگریو، مالیه عمومی در تئوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیم‌یفر، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران، ایران، ۱۳۷۳.
۸. مراجع تقلید، توضیح المسائل.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۳ ش. منابع عربی
۱۰. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبئه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابراهیم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۵ ق.
۱۱. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، الطبعة السابعة، ۱۹۸۶ م.
۱۳. الجوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیه، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. الحرّ العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، المكتبة الاسلامیه، تهران، الطبعة السادسة، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. الحلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن ابن الحسن، شرایع الاسلام، مؤسسه الاعلمی، تهران، الطبعة الاولى، ۱۳۴۷ ق.
۱۶. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد بن المفضل، معجم مفردات الفاظ القرآن، مؤسسه اسماعیلیان.
۱۷. الزمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. الصدر، محمد باقر، اقتصادنا، دار التعارف، للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۱۹. الطباطبایي الحکیم، السید محسن، مستمسک العروة الوثقی، ج ۹، الطبعة الثالثة، منشورات مکتبه آیة الله المرعشی، قم، ۱۳۹۰ ق.
۲۰. الطباطبایي الیزدی، السید محمد کاظم، العروة الوثقی، المكتبة العلمیة الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۷ ق.

٢١. الطوسي، ابوجعفر محمد بن الحسن، كتاب الخلاف، مؤسسة النشر الاسلامي، قم، الطبعة الاولى، ١٤٠٩ ق.

٢٢. \_\_\_\_\_، النهاية، انتشارات قدس محمدي، قم، (بي.تا).

٢٣. الطبرسي، فضل بن الحسن، مجمع البيان، دار المعرفة، بيروت، ١٤٠٨ ق.

٢٤. الطريحي، الشيخ فخرالدين، مجمع البحرين، دار مكتبة الهلال، بيروت، ١٩٨٥ م.

٢٥. العاملي، محمد بن جمال الدين، اللمعة دمشقية، دار العلم الاسلامي، بيروت، لبنان، ١٤٠١ ق.

٢٦. القرضاوي، يوسف فقه الزكاة مؤسسة الرسالة، بيروت، لبنان، الطبعة الاولى، (١٤١٢ق).

٢٧. الكليني، محمد بن يعقوب، الاصول و الفروع من الكافي، دار الكتب الاسلامية، تهران، ١٣٨٨ ق.

٢٨. المجلسي، محمد باقر. بحار الانوار، دار الاضواء، بيروت، ١٤١٣ ق.

٢٩. المفيد، ابي عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، مؤسسة النشر الاسلامي، قم، ١٤١٠ ق.

٣٠. الموسوي الخميني، السيد روح الله، تحرير الوسيلة، مطبعة الادب. النجف، العراق، ١٣٩٠ ق.

٣١. \_\_\_\_\_، البيع، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، قم، ١٣٦٨ ش.

٣٢. الموسوي الخوئي، السيد ابوالقاسم، مستند العروة الوثقى، مؤسسة النشر الاسلامي، قم، ١٣٦٤ ش.

٣٣. المنتظري، حسينعلي، كتاب الخمس، منشورات دارالفكر، قم، الطبعة الثانية، ١٤١٢ ق.

٣٤. \_\_\_\_\_، كتاب الزكاة، المركز العالمي للدراسات الاسلامية، قم، الطبعة الثانية، ١٤٠٩ ق.

٣٥. النجفي، محمد حسن، جواهر الكلام، ج ١٦، الطبعة السابقة، دار احياء التراث العربي، بيروت، لبنان، ١٩٨٢ م.

٣٦. النوري، حسين، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت لحياء التراث، بيروت، ١٤٠٨ ق.

37. Fellows, J. A ,1995, "A Conceptual Analysis of The Flat Tax" The CPA Jornal PP. 18-22.

38. I M F ,1993-1999, "Government Finace Statistics Washington". D.C.

39. \_\_\_\_\_,"International Financial Statistics" Washington. D.C.